

انقلاب ادبیات داستانی

مریم ارجمندی

دانشجوی دکتری دانشگاه فرهنگیان شیراز

نواز الله فرهادی

دکترای ادبیات و استاد دانشگاه فرهنگیان شیراز

چکیده

در ایران، خلاف دنیای غرب، ما از داستان شروع کرده و به رمان رسیده‌ایم؛ بنابراین، رمان سابقه‌چندانی در ادبیات ایران ندارد. با این حال، در طول عمر کوتاه آن، آثار شاخص و قابل توجهی منتشر شده است. پس از انقلاب رمان‌نویسی و داستان کوتاه نیز شتاب بیشتری به خود گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی، ادبیات با موضوعی روبه‌رو شد که نمی‌توانست در برابر آن سکوت کند. انقلاب مسائل عمیق و فراگیری را در خود داشت؛ بنابراین لازم بود که نویسندگان خاص خود را تربیت کند و از رهگذر این حوادث اجتماعی، رمان‌های خوبی منتشر شد؛ تا جایی که دهه ۱۳۷۰ تا اواسط دهه ۱۳۸۰ درخشان‌ترین دوره رمان و داستان‌نویسی در ایران پس از انقلاب بوده است؛ دوره‌ای که تلاش‌های دهه ۱۳۶۰ در آن به بار نشست.

با این حال، از اواسط دهه ۱۳۸۰ و به‌ویژه از ابتدای دهه ۱۳۹۰ ادبیات داستانی دیگر شتاب سابق را ندارد. بسیاری از نویسندگان شاخص حوزه انقلاب، دفاع مقدس و حتی اجتماعی‌نویس‌ها کمتر دست به قلم برده‌اند و در آثار خلق‌شده در این سال‌ها نیز رمان دندان‌گیری دیده نمی‌شود. معرفی نشدن اثر ادبی برگزیده در دوره‌های متعدد جایزه کتاب سال و جایزه جلال آل‌احمد در این سال‌ها خود گواه این ادعاست. در کنار این سکوت نسبی نویسندگان شاخص دهه‌های ۷۰ و ۸۰، جوان‌گرایی البته در ادبیات داستانی دهه ۱۳۹۰ رشد یافته و آثار خوبی

از نویسندگان جوان در این سال‌ها منتشر شده است. با این حال، منتقدان بر این باورند که در دهه ۱۳۹۰ ما با تولید انبوه اما ضعیف آثار ادبیات داستانی روبه‌رو هستیم.

کلیدواژه‌ها: ادبیات داستانی، ادبیات داستانی انقلاب اسلامی

مقدمه

ادبیات به معنای عام کلمه اغلب به هر نوع نوشته‌ای گفته می‌شود؛ مثل بخشنامه‌ها، رساله‌ها، اعلان‌ها، آثار فلسفی، ادبی و ...، اما ادبیات به معنای خاص کلمه، به آثاری گفته می‌شود که از روی اراده برای ارائه مقصود معینی به کار می‌روند و از نظر زیبایی و سبک و شکل باارزش و معتبرند. ادبیات به هر اثر ادبی شکوهمندی گفته می‌شود که در آن عامل تخیل دخیل باشد و با جهان واقع نیز ارتباط معناداری داشته باشد. ادبیات دربرگیرنده همه انواع آثار خلاقه است؛ چه شعر و چه نثر؛ مثل منظومه‌های حماسی، غنایی، نمایشی، تعلیمی، قصه، رمان، داستان کوتاه، رمانس و بنابراین، ادبیات داستانی نیز بخشی از ادبیات است که همه انواع آثار روایتی منشور را در برمی‌گیرد؛ یعنی هر اثر روایتی منشور خلاقه‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معناداری داشته باشد، در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد. ادبیات داستانی شامل قصه، رمانس، رمان، داستان کوتاه و

آثار وابسته به آن‌هاست.

ادبیات داستانی جنگ

ادبیات داستانی جنگ یعنی داستانی که از جنگ، درباره جنگ و حواشی آن نوشته شود. این نوع ادبیات، جنگ را با تمام تلخی‌ها و شیرینی‌هایش به مخاطب نشان می‌دهد و می‌تواند درباره شجاعت و پایمردی ملتی و فرومایگی و پستی ملتی دیگر باشد. مهم نیست که نویسنده از دیدگاه آنکه می‌کشد سخن بگوید یا آنکه کشته می‌شود. مهم این است که روند ادامه زندگی در برهه شلیک گلوله‌ای بررسی شود و فراتر از آن در داستان‌هایی که به جنگ و مقوله‌های مرتبط با آن می‌پردازند (حنیف، ۱۳۸۶).

پیدایش ادبیات جنگ

با شروع جنگ تحمیلی در پایان تابستان ۱۳۵۹، ادبیات جنگ هم پدید آمد. دگرگون شدن زندگی بر اثر جنگ، مسائل تازه‌ای را در دستور کار ادبیات قرار داد. داستان‌هایی از مجموعه‌های «دو چشم بی‌سو» از «محسن مخملباف» و «مرغ آمین» از «سیروس طاهباز» در سال ۱۳۶۰ منتشر شدند. در سال‌های بعد، روند چاپ آثار متأثر از جنگ و تبعات آن شتاب گرفت و تا سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۱۶۰۰ داستان کوتاه، در مجلات و مجموعه داستان‌ها و ۴۶ رمان و داستان بلند انتشار یافت. تقریباً هیچ نویسنده‌ای نسبت به جنگ و پیامدهای آن بی‌تفاوت نماند؛ برخی در ستایش از حماسه‌آفرینی رزمندگان نوشتند و گروهی مصائب جنگ و تأثیر آن بر زندگی مردم عادی را بازتاب دادند (میرعابدینی، ۱۳۸۳).

رشد کمی و کیفی جنگ

ادبیات جنگ در ایران دارای فراز و فرود و رشد کمی و کیفی متغیری بوده است. با آغاز هجوم رژیم بعث عراق و اشغال بخشی از سرزمین ایران عده‌ای از نویسندگان همراه و همگام با رزمندگانی که در جبهه‌ها می‌جنگیدند، قلم به دست گرفتند و به ثبت رشادات‌ها و ایثارهای رزمندگان پرداختند. نگارش داستان، به‌ویژه داستان کوتاه از همان سال‌های اولیه جنگ آغاز شد و روندی نسبتاً فزاینده داشت. این رشد کمی فزاینده به معنای آن نیست که از نظر کیفی نیز داستان‌ها از درجه مطلوب برخوردار بودند. با تمام شدن جنگ، این جریان برعکس شد؛ یعنی



بسامد کمی داستان‌ها کاهش یافت و در عوض، کیفیت هنری آن‌ها رو به بهبود نهاد. ناگفته پیداست که این امر به موقعیت و شرایط خلق اثر مربوط می‌شود. در دوران پرتلاطم جنگ، نویسندگان کمتر می‌توانستند به جنبه‌های فنی و هنری اثر خود بیندیشند و اغلب به خاطر تعهد و مسئولیت، آثاری خلق می‌کردند که روحیه مقاومت و شجاعت را در بین مردم افزایش دهد، اما فضای پس از جنگ و آرامش حاصل از آن، به نویسنده این فرصت را می‌داد که در تکنیک و جنبه هنری اثرش نیز بیشتر دقت کند.

موضوعات ادبیات جنگ

با وجود اینکه موضوع اصلی این نوع ادبی، جنگ و مسائل مربوط به آن است، رویکرد نویسندگان به پدیده جنگ با هم تفاوت دارد. وقتی می‌گوییم «ادبیات جنگ»، با چند موضوع سروکار داریم: اول موضوع جنگ و دیدگاهی که نویسنده از آن دارد و دوم مسئله ادبیات یا کارکرد آن و اینکه نویسنده چه انتظاری از ادبیات دارد. در کنار هم قرار گرفتن و تلفیق این چند مسئله، ادبیات جنگ را به وجود می‌آورد و منجر به خلق آثاری در این حوزه می‌شود.

نگارش داستان، به‌ویژه داستان کوتاه از همان سال‌های اولیه جنگ آغاز شد و روندی نسبتاً فزاینده داشت. این رشد کمی فزاینده به معنای آن نیست که از نظر کیفی نیز داستان‌ها از درجه مطلوب برخوردار بودند. با تمام شدن جنگ، این جریان برعکس شد؛ یعنی بسامد کمی داستان‌ها کاهش یافت و در عوض، کیفیت هنری آن‌ها رو به بهبود نهاد.

بر این اساس، هریک از آثار داستانی، با توجه به برخورد نویسنده با این دو معیار، در گروه‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. منتقدان و محققان ادبیات داستانی جنگ، هرکدام تقسیم‌بندی خاصی از شیوه برخورد نویسندگان با دفاع مقدس دارند که با وجود نقاط مشترک، بعضاً از جهاتی نیز با هم متفاوت‌اند.

شیوه‌های برخورد نویسندگان با دفاع مقدس

در این بررسی، تقسیم‌بندی «تفنگ و ترازو» به سبب اینکه از بقیه جامع‌تر و علمی‌تر است، ترجیح داده شد. بر این اساس، شیوه برخورد نویسندگان با دفاع مقدس، چهار گروه اثر داستانی را به وجود می‌آورد:

الف. ثبت وقایع و ارزش‌های جنگ از طریق فرم داستانی

نویسندگان نسل انقلاب، از یک طرف بنابر تعهدی که برای ادبیات پذیرفته بودند و از طرف دیگر، نقشی که برای ادبیات در پیشبرد دفاع مقدس متصور بودند، بیشتر به ثبت رویدادهای جنگ و انتقال ارزش‌های دفاع مقدس پرداختند. این گروه چنان پایبند انعکاس واقعیت‌ها هستند که نوشته‌هایشان با گزارش و خاطره پهلو می‌زند (سلیمانی، ۱۳۸۰).

نویسندگان این داستان‌ها، نویسندگان حرفه‌ای نبودند؛ کسانی بودند که می‌خواستند تجربه‌های خود را از حضور در خطوط مقدم جبهه به دیگران انتقال دهند. آنان که نگران فراموش شدن ارزش‌های جنگ بودند، با شتاب می‌نوشتند و کمتر موفق به خلق جهان داستانی قائم به ذات با آدم‌های زنده و ملموس می‌شدند. اکثر داستان‌های جنگ از حالت گزارش و خاطره در نیامده‌اند. در این داستان‌ها نویسنده در حد تصویر چهره بیرونی حوادث مانده و امکان راه یافتن به درون آن را نیافته است (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۸۹۹).

ویژگی مشترک این آثار، حس تعهد و مسئولیت در قبال جنگ است. به این خاطر آثاری خلق می‌شوند که در آن‌ها پیام محوریت دارد و داستان تنها ظرف و وسیله‌ای برای انتقال این پیام است. به همین خاطر این داستان‌ها، اغلب تبلیغی هستند. ساده‌نویسی و بی‌توجهی به پیچیدگی‌های فنی

داستان، واقع‌گرایی، و کارکردگرایی و صمیمیت، دیگر مشخصات این داستان‌ها محسوب می‌شوند (سلیمانی، ۱۳۸۰). از جمله این‌گونه داستان‌ها می‌توان به «سرود مردان آفتاب و آب» از غلامرضا عیدان و «مخمصه» از علی‌رضا افزودی اشاره کرد.

ب. دفاع مقدس، خلاقیت و اصول زیبایی‌شناسی

نویسندگانی مانند علی مؤذنی، سیدمهدی شجاعی و رضا رهگذر (محمدرضا سرشار) با توجه به فرم و شگردهای داستان‌نویسی در زمینه دفاع مقدس آثاری خلق کردند. این نویسندگان علاوه بر تعهد اجتماعی، به زیبایی‌های اثر داستانی نیز توجه داشتند. به همین خاطر، ویژگی‌هایی همچون شعاری، تبلیغی، سطحی و کلیشه‌ای بودن در آثار این دسته به مراتب کمتر دیده می‌شود.

ج. جنگ و پاورقی‌های سرگرم‌کننده

نویسندگان آثار سرگرم‌کننده، به دفاع مقدس نگاه ارزشی ندارند و جنگ و مسائل مربوط به آن از مسائل محوری داستان‌های آن‌ها نیست. عموماً هسته مرکزی این رمان‌ها را مسائل خانوادگی یا جنایی تشکیل می‌دهد اما نویسنده از جنگ نیز از جهت آنکه در تشدید مسائل محوری سهیم و دخیل است، بهره جسته است. از این جمله‌اند: شهره وکیلی در «خان سرخ» و کوروش صفایی «فراسوی ستیزه‌ها».

د. نویسندگان حرفه‌ای؛ جنگ در حاشیه

در آثار این دسته نیز، جنگ به شکل محوری و مرکزی نمود نیافته است. این نویسندگان بیشتر به مسائل حاشیه‌ای جنگ مثل بمباران و فضای پشت جبهه پرداخته‌اند. اینان به جای ترسیم صحنه‌های قهرمانی در جبهه‌ها، از رنج‌ها و وحشت‌های مردم عادی به هنگام حملات هوایی سخن می‌گویند. عادی شدن و اجتناب‌ناپذیری مرگ، گریز از اضطرابی به اضطراب دیگر، و مهاجرت و از هم پاشیدن خانواده‌ها از مضمون‌های مطرح در آثار این نویسندگان است. اینان در جهت مطرح کردن جنبه غم‌انگیز (تراژیک) جنگ قلم می‌زنند. در این داستان‌ها آدم‌ها دیگر حماسه‌ساز نیستند بلکه قربانیانی هستند که در عین پایداری، به راحتی جان می‌بازند و همین امر به فضای ادبیات پس از جنگ نوعی حس زوال و بی‌اطمینانی می‌دهد

(میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۹۱۰).

از جمله این نویسندگان احمد محمود (زمین سوخته)، تقی مدرسی (آداب زیارت)، مهدی سحابی (ناگهان سیلاب)، و محمد محمدعلی (نقش پنهان) است.

به جز نویسندگانی که در خلال این تقسیم‌بندی از آنان یاد شد، محسن مخملباف، سیدمهدی شجاعی، جواد مجابی، اسماعیل فصیح، محمود گلابدراهی و ناصر ایرانی از نویسندگان ادبیات داستانی جنگ به شمار می‌آیند.

مهم‌ترین موضوعات

مهم‌ترین موضوعات ادبیات داستانی جنگ عبارت‌اند از شهادت، اسارت، موج‌گرفتنگی، جانبازی، مهاجرت، بمباران و سرانجام دوره پس از اسارت. شاید اصلی‌ترین عنصر داستانی پس از درون‌مایه، زاویه دید باشد که در داستان‌های جنگ اهمیتی شایان دارد.

شخصیت‌ها

در بررسی شخصیت‌های این داستان‌ها چند تیپ مهم‌تر از بقیه‌اند:

۱. از خود گذشتگان (که معمولاً در رده فرماندهان یا رزمندگان جای دارند)؛
۲. سال‌خوردگانی که شخصیت اصلی داستان‌ها هستند؛
۳. پدر و پسر که اغلب یکی از آن دو خود را فدای دیگری می‌کند؛
۴. مادران، همسران و فرزندان شهدا که صبر و شکیبایی و امید به آینده ویژگی شاخص آنان است؛
۵. کودکان و نوجوانانی که یا جزء کوچندگان آواره‌اند یا فرزندان شهدا و جانبازان (انوشه، ۱۳۷۴: ۴۹).

ویژگی ممتاز دفاع مقدس

یکی از ویژگی‌های ممتاز دفاع مقدس، حضور اندیشه‌ها و احساسات دینی در آن است؛ تا آنجا که ادبیات جنگ را می‌توان ادبیات دینی نیز نامید. در چنین ادبیاتی، اندیشه‌های متفاوتی بیش از هر چیز در پیشبرد عناصر داستان مؤثر است. به تعبیری، اندیشه‌ها و احساسات دینی جای اندیشه‌های مادی‌انگاره را می‌گیرند و آنچه باعث انگیزه حرکت و عمل قهرمان می‌شود، اعتقاد به باورهای دینی و مذهبی است. همچنین، در ادبیات دفاع مقدس شاهد تلفیق حماسه دینی و تاریخی با

حماسه‌های جنگ هشت‌ساله هستیم؛ برای مثال، در داستان «هفتاد و سومین» نوشته علی مؤذنی از مجموعه «دلایزتر از سبز»، داستان عطش یک رزمنده مجروح با داستان عطش اهل بیت به تصویر کشیده می‌شود (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۸۴).

اخیراً داستان‌های دفاع مقدس در مجموعه‌های مختلف گرد آمده‌اند و بعضاً نمایه‌هایی از این آثار فراهم شده است که دسترسی به این داستان‌ها را آسان‌تر می‌کند. از جمله «فهرست داستان‌های کوتاه درباره جنگ در مطبوعات ایران» (فهرست داستان‌های کوتاه درباره جنگ در مطبوعات ایران، ۱۳۷۲).

منابع

۱. حنیف، محمد. (۱۳۸۶). جنگ از سه دیدگاه (نقد و بررسی ۲۰۰۰ رمان و داستان بلند جنگ). تهران: صیرر.
۲. میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۳). صد سال داستان‌نویسی. چاپ سوم، جلد سوم. تهران: چشمه.
۳. رهگذر، رضا. (۱۳۷۰). نیم‌نگاهی به هشت سال قصه جنگ. تهران: حوزه هنری.
۴. سلیمانی، بلقیس. (۱۳۸۰). تفنگ و ترازو. چاپ اول. تهران: روزگار.
۵. انوشه، حسن. (۱۳۷۱). فرهنگ‌نامه ادبی فارسی. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۶. دفتر مطالعات ادبیات داستانی (و دیگران). (۱۳۷۲). فهرست داستان‌های کوتاه درباره جنگ در مطبوعات ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۷. یونسی، ابراهیم. (۱۳۶۹). هنر داستان‌نویسی. تهران: نشر نگاه.
۸. میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). عناصر داستان. تهران: نشر سخن.
۹. ———. (۱۳۸۳). داستان و ادبیات. تهران: نشر آیه مهر.
۱۰. محمودیان، محمد. (۱۳۸۲). نظریه رمان و ویژگی‌های رمان. تهران: نشر فروزان.
۱۱. مستور، مصطفی. (۱۳۷۹). مبانی داستان کوتاه. تهران: نشر مرکز.
۱۲. اسکولز، رابرت. (۱۳۷۷). عناصر داستان. مترجم: فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.